

## بنام زن که انسان زاده او است

ما تاحال به انسان که مفهوم مشترک زن و مرد است، اندیشیده ایم و از کارنامه های انسان که همانا پیشرفت افکار و ذهنیت ها، پیشرفت تکنالوژی صنعت، اقتصاد و غیره سخن میزنم آیا گاهی بدین باور داشته ایم که در پشت پرده های این همه سیر تکامل جامه بشری، زن نقش برجسته تر و والا تری نسبت به آنچه تصور می کنیم، داشته است؟

### زن تهادب گذار تمدن بشری است.

زن که امروز با القاب غیر عادلانه و غیر انسانی چون "عاجزه"، "کوچ"، "سیاه سر" و جنس دوم خطاب می گردد، روزگاری بنیانگذار تمدن تاریخ بشری بوده و با مشعل ذهن و ادراک خویش، بشریت را رهبری میکرده است.

فرهنگ ما از زنان، همان سان که چهره سیاهی ارائه میدهد، خود نیز درین زمینه، چهره بغایت سیاهی دارد. زیرا این فرهنگ ساخته و پرداخته زورمندان و روحانیون سنتی و عقب گرای جامعه و بالاخره ساخته یک نظام مرد سالار است که هر نوع ارزش گذاری به مقام زن را نادیده گرفته و از مقام والای آن چه در زندگی روزمره و چه در زمینه سهم گیری زنان در جامعه انکار کرده است.

میخواهم نگاهی مختصر و گذرای به همان آوان زندگی بشری به آنسوی تاریخ، به آن دوران که زن، زمام امور را در دست داشت، داشته باشم.

اسناد و مدارک ارائه شده زیادی از طرف انترپولوگ ها و آناتیکه با تکامل تیپ بیولوژیک و اجتماعی انسان ها سرو کار دارند، موجود است که می خوانیم:

زنان با غلبه بر آتش، خط سرخی میان خود و دنیای حیوانیت کشیدند.

از آنجائیکه مردان مصروف شکار در کوه ها و دشتها بودند، این زنان و کودکان بودند که گرداگرد آتش باقی می ماندند و تکرار این رسم بود که زن به نگهبان آتش چیزی که بعد ها مقدس هم شد، مبدل گردید.

با دسترسی به آتش، نخستین بار زن شیوه پخت و پز را پیش گرفت و بدین صورت جلو اکثر امراضی که از خام خوری به وجود می آمد، گرفته شد.

زن برای پخت و پز به ظروف نیاز داشت بنا بر آن فن سفالگری (کلالی) را بنیاد گذاشته و کلالی را در کنار آتش و به کمک آتش، برای تمدن بشری به ارمغان آورد.

سفالگری و نگهبانی آتش باعث مسکون شدن انسان های اولیه در یک منطقه شد. از آنجا که انتقال این همه لوازم سفالگری مشکل را به وجود میآورد اینگونه بود که نخستین خشت های تمدن بشری گذاشته شد و سیر حرکت تاریخی را سرعت بخشید.

این مسکن گزینی اولیه بود که زن با آسمان و زمین آشنایی پیدا کرد و رفته رفته به کشف زراعت نایل شد و از طرف دیگر نخستین نطفه های تمدن شهر نشینی در جهان گذاشته شد.

در جریان کشت و زراعت بود که زن به کیفیت دارویی گیاهان پی برد و به عنوان نخستین طبیب تاریخ بشری قد علم کرد.

و از همین رو در جامعه و طبیعت همان دوران، زن به عنوان مادر قبیله مورد احترام و پرستش قرار گرفته به مقام بلند دیگری که پیشوایی دینی باشد، هم دست یافت.

پرستش مادر و دادن لقب مادر به زمین، همه به مقام اولیه زن و مقام روحانیت اولین مادران ما باز میگردد.

چنانچه از نخستین خدایان انسان نیز همان الهه مادر بوده است. زن به مقام ارجمندی دیگر که عبارت از آموزگاری باشد هم ارتقا یافت و به مردان و زنان طایفه خود راز و رمز را با دقت یاد داد تا از نسلی به نسلی دیگری راه پیدا کند و تداوم تکامل اجتماعی متوقف نگردد.

با توجه به نکات بالا جا دارد که پرسش های متواتر اینجا مطرح گردد که پس اینهایی که نقش زن را انکار می کنند، کیه هستند و از کجا حکم "بی عقل" بودن زنان را از آنسوی مرزهای تاریک مذاهب صادر کرده اند و دهها مورد و قضاوت غیر عادلانه و سیاهی را که ننگی برای بشریت متمدن می باشد . . .

و جا دارد که باز هم بپرسیم آنانی که دهل دفاع از حقوق زنان را هرچه پرصدا تر می نوازند، چرا در عمل در کنار سرکوب کنندگان زنان افغانستان قرار می گیرند، و کشور ما را شکنجه گاه قانونی زنان ساخته اند؟

زنان بدون اراده خودشان نمی توانند آزاد گردند. هر وعده یی که بدون اراده و آگاهی زنان داده شود بجای نمی رسد و نخواهد رسید.

زنان باید بدانند که آزادی خود را نمی توانند از مجریان «مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است.....» تقاضا کنند.

پس زنان باید در قدم اول آگاه گردند و اراده کنند تا آزادی را به دست آورند نه اینکه منتظر کسان باشند تا آزادی را در لای پارچه زرین تحفه دهند.

پایان